

نهایند و مطبوعات دوره‌ی قاجار

سهیلا آذرفرشی

کارشناس رشته‌ی تاریخ

اشاره:

پیش از این در فرهنگیان شماره‌ی دو (کتابچه‌ی جغرافیای ولایت نهایند و خزل)، شماره‌ی ده (نهایند به روایت عین السلطنه) و شماره‌ی سیزده (نهایند به روایت محمدحسن خان اعتمادالسلطنه) اخباری را از مطبوعات و کتب تاریخی دوره‌ی قاجار، در خصوص شهرستان نهایند ملاحظه کردید. در این شماره نیز مجموعه‌ی دیگری از آن را پیش رو دارید. نقد و بررسی محتوای این مجموعه‌ها، که هم‌اکنون «موادخام» تلقی می‌شوند، قدم دومی است که درخواست و پیش‌نهاد می‌شود استادان، دانشجویان و پژوهشگران محترم در حوزه‌های تاریخ، زبان‌شناسی، مردم‌شناسی و... به آن بپردازند و یافته‌های پژوهشی خود را که بسیار با ارزش خواهد بود مستقلاً یا از طریق همین فصل‌نامه به دیگران انتقال دهند. برای مثال آنچه ذیل سال ۱۳۱۸ قمری (ص ۵۲) درباره‌ی حیدرقلی خان قاجار قوانلو، متخلص به «پریشان» آمده است فتح بابی برای تحقیق درباره‌ی این شخصیت ممتاز نهایندی است و جا دارد چنین چهره‌های ارزشمندی مشروحاً به هم‌شهریان و به کشور معرفی شوند.

بازایی و استخراج این اخبار و اطلاعات پراکنده‌ی حدود صد، صد و پنجاه سال گذشته - با قوت و ضعف‌ها و اجمال و تفصیل‌های آن‌ها - مقدمه‌ی لازمی برای این پژوهش‌هاست و کاری وقت‌گیر و طاقت فرسا بوده است. از این رو فصل‌نامه در جهت تسهیل در امر تحقیقات علاقه‌مندان نهایند پژوهی و ایران پژوهی به جمع‌آوری آن‌ها اقدام کرده است و اگرچه به دلیل محدودیت

صفحات فرهنگان گزیده‌ای از این اخبار را به نظر خوانندگان می‌رساند، اما متن کامل این مجموعه همراه با سی‌دی (CD) آن در کتابخانه‌ی مؤسسه موجود است و علاقه‌مندان و پژوهشگران می‌توانند به آن مراجعه نمایند. در این‌جا از سرکار خانم سهیلا آذر فرشی، کارشناس رشته‌ی تاریخ و همسر گرامی ایشان جناب آقای غلام‌رضا عزیزی کارشناس زبان‌های باستانی، که تاکنون در زمینه‌ی «نهادن‌پژوهی» با این فصل‌نامه همکاری پرتلاش و مستمری داشته‌اند سپاس‌گزاری می‌شود. «فرهنگان»

نشریات باقی مانده از دوران گذشته - و به‌ویژه از منظر این نوشته‌ی «دوره‌ی قاجار» - نمونه‌ی مناسبی از بازیافت متونی است که الزاماً به عنوان یک منبع تاریخی تولید نشده‌اند. در واقع نگارش مطالب و به‌ویژه اخبار مندرج در این نشریه‌ها به منظور استفاده‌ی مردم - و به ویژه خواص - در روزگار انتشارشان بوده است. برای نمونه در یکی از نشریات دوره‌ی قاجار در خصوص «فواید روزنامجات» آمده است: «فواید روزنامجات دولتی و ملتی و علمی، بی‌حاجت به تعداد و نگارش، مشخص و معین است: از قبیل انتشار احکام قضای جریان همایون و اطلاع بر اخبار ممالک محروسه‌ی ایران و سایر دول متحابه‌ی فرنگستان و تبّع در احوال و اشعار شعرای متقدمین و متأخرین و پاره [ای] مطالب، که به طور آزادی نوشته می‌شود و نتایج حسنه‌ی آن بر همه‌کس آشکار است و استفاده‌ی علوم متفرقه و بصیرت بر تواریخ مختلفه و غیره حاصل می‌گردد؛ ...»^۱.

به هر روی، ثبت رویدادهای جاری در نشریات و امکان استفاده‌ی مجدد از اخبار و رویدادهای انتشار یافته در نشریات دوره‌های گذشته، سبب شده که این منابع در بررسی‌ها و پژوهش‌های تاریخی جایگاه ویژه‌ای داشته باشند. اخبار نقل شده در نوشته‌ی

حاضر از روزنامه‌های وقایع اتفاقیه^۲، روزنامه دولت علیّه^۳ ایران، تربیت^۴ و ایران^۵ که در سال‌های اخیر تجدید چاپ شده‌اند - نقل شده است. در این جا دویست‌خبر از نشریات یاد شده استخراج گردیده که بیش‌ترین آن‌ها از روزنامه «ایران» و کم‌ترین آن‌ها مربوط به روزنامه «تربیت» (۳ مورد) است. این بدان معنی نیست که در دیگر نشریات دوره‌ی قاجار نمی‌توان رویدادهای نه‌اوند و یا گزارش‌هایی پیرامون نه‌اوند و نه‌اوندی را یافت.

برای نمونه در روزنامه‌ی «شرف»، ذیل گزارش احوال مرحوم لسان‌الملک، اطلاعاتی در خصوص «سپردن وزارت نه‌اوند به وی» و «اهدای لقب سپهر به وی توسط شاهزاده محمود میرزا حاکم نه‌اوند» آمده است.^۶ همین روزنامه در خصوص انتصاب «نواب والاعمدالدوله» به حکومت نه‌اوند مطلب دارد.^۷ خبر دیگر در این روزنامه حاکی از حکومت «نواب والا فرمانفرما» بر ایالت مرکزی شامل «عراق [عجم]، همدان، ملایر توپسرکان، نه‌اوند، گلپایگان، خوانسار و بروجرد» است.^۸

یا این که گزارش «مخبره‌ی احکام نوری به وسیله‌ی میرزا علیخان منشی حضور ناصرالدین‌شاه» برای «عمادالدوله حکمران کرمانشاهان و لرستان و نه‌اوند» در روزنامه‌ی مرآت السفر و مشکوة‌الحضر چاپ شده است.^۹ و یا این که در روزنامه‌ی «شرف» در ذکر مسافرت ناصرالدین‌شاه به «نمارستاق»، اخباری دال‌بر «آوردن دویست سوار به وسیله‌ی سیف‌الملک برای سان دیدن ناصرالدین‌شاه» که یک دسته از آن‌ها به

* - «علیه» مؤنث «علی» است به معنی برتر و متعالی و ترکیب «دولت علیّه» در دوره‌ی قاجار بسیار رایج بود و امروز نیز گاهی «سرکار علیّه» را برای خانم‌ها به کار می‌برند. تلفظ این صفت به صورت «علیه» صحیح نیست. «فرهنگان»

سرکردگی «پسر محمدخان نهایندی» بوده و نیز «عبور ناصرالدین شاه از دم چادرهای ایلات و دیدن یهودی‌های دست فروش نهایند که به ایلات جنس می‌فروختند» آمده است.^{۱۰} بنابراین می‌توان در دیگر نشریات دوره‌ی قاجار اخباری از نهایند و نهایندی یافت که به یاری خدا در زمانی دیگر، در این مورد نیز اقدام خواهم کرد.

از آن جایی که غالباً مدخل‌های این اخبار نام «شهر نهایند» و یا «ولایات ثلاث» بود، تاریخ چاپ خبر به عنوان مدخل برگزیده شد. به این ترتیب نگارش اخبار بر اساس تاریخ وقوع رویدادها و به صورت سال‌شمار تنظیم شده است. البته تاریخ ذکر شده برای هر رویداد مربوط به زمان انتشار آن رویداد در نشریه است و بنابراین در بیش‌تر موارد نشان دهنده‌ی زمان وقوع قطعی آن رویداد نیست.

اخبار هر سال بر اساس ماه‌های قمری تنظیم شده است* . در مواردی اندک به تاریخ وقوع رویداد در متن خبر اشاره شده که در این صورت تاریخ ذکر شده برای آن رویداد یا خبر (به عنوان یک مدخل) مربوط به زمان وقوع است نه انتشار نشریه . در این موارد (که کم است) با مقایسه‌ی زمان یک رویداد و چاپ خبر آن در نشریه می‌توان به‌طور کلی فاصله‌ی زمانی بین وقوع یک حادثه در نهایند و نشر آن را دریافت و بر این اساس، زمان دیگر رویدادها و یا اخبار را تخمین زد.

البته هم‌چنان که خزانندگان محترم نشریه توجه دارند اهمیت اخبار نقل شده در این نوشته، صرفاً خود آن خبرها نیست؛ بلکه تنوع اطلاعات ارائه شده می‌تواند تصویری

* - برای سهولت تطبیق زمان رویدادها، معادل تاریخ قمری به صورت ماه و سال شمسی در بین دو کمان آورده شد. گرچه خوانندگان محترم نیک می‌دانند با توجه به رسمی شدن سال شمسی در ایران، از حدود ۱۳۰۴ به بعد، شاید این معادل سازی مربوط به قبل آن، چندان درست نباشد (به همین جهت از نوشتن روز بر پایه‌ی تقویم هجری شمسی خودداری گردید).

کلی - هر چند نه به طور دقیق - از اوضاع نهبوند در زمان‌های ذکر شده را ارائه نماید؛ اطلاعاتی در خصوص تقسیمات کشوری، حکام، رجال، اوضاع جوئی، حوادث طبیعی، باورهای عامیانه، امور مذهبی و به طور کلی وقایع و رویدادهای حوزه‌ی حکومتی و ...

به هر روی، اهمیت این اخبار به عنوان ماده‌ی خام یک پژوهش و به عنوان یکی از منابع دست اول و برخوردار از تنوع اطلاعات، سبب شده تا نسبت به استخراج آن‌ها از نشریه‌های یاد شده و انتشار مجددشان در یک مقاله اقدام شود. ضمناً این امر سبب خواهد شد علاقه‌مندانی که به این نشریات مراجعه می‌نمایند، از صرفه‌جویی در زمان بهره‌مند گردند.

یادآوری می‌شود در انتخاب «خبرها» از آوردن مطالب کوتاهی که فاقد اطلاعات تازه بوده‌اند، خودداری شده است. از جمله‌ی این موارد می‌توان به عبارت‌هایی اشاره کرد که به طور کلیشه‌ای و تکراری است و از رفاه اهالی و دعاگویی آن‌ها نسبت به حاکم وقت و یا شاه قاجار حکایت می‌کند.

موارد دیگر در نوشته‌ی حاضر عبارت‌هایی است هم‌چون: «از نهبوند «خبری نرسیده»، یا «خبر تازه نیست»، یا «تازه اتفاق نیفتاده» و مواردی از این دست.

از نظر زمانی، اخبار نقل شده، به سال‌های ۱۲۶۷ تا ۱۳۲۰ هجری قمری (۱۲۳۰ تا ۱۲۸۱ شمسی) بر می‌گردد. در جدول زیر تعداد خبرهای هر سال و تعداد اخبار نقل شده در آن سال آمده است.

تعداد خبر	سال (قمری)	تعداد خبر	سال (قمری)	تعداد خبر	سال (قمری)	تعداد خبر	سال (قمری)
۹	۱۳۱۰	۶	۱۳۰۰	۱	۱۲۸۷	۲	۱۲۶۷
۵	۱۳۱۱	۱۴	۱۳۰۱	۳	۱۲۸۸	۲	۱۲۶۸
۴	۱۳۱۳	۷	۱۳۰۲	۴	۱۲۹۱	۲	۱۲۷۱
۶	۱۳۱۴	۴	۱۳۰۳	۶	۱۲۹۲	۲	۱۲۷۲
۳	۱۳۱۵	۶	۱۳۰۴	۲	۱۲۹۳	۲	۱۲۷۳
۶	۱۳۱۶	۶	۱۳۰۵	۱۰	۱۲۹۵	۱	۱۲۷۴
۱	۱۳۱۷	۷	۱۳۰۶	۷	۱۲۹۶	۴	۱۲۷۵
۴	۱۳۱۸	۶	۱۳۰۷	۵	۱۲۹۷	۳	۱۲۷۹
۳	۱۳۱۹	۴	۱۳۰۸	۷	۱۲۹۸	۱	۱۲۸۴
۳	۱۳۲۰	۹	۱۳۰۹	۷	۱۲۹۹	۱	۱۲۸۵

بر این اساس ملاحظه می‌نمایید که این مجموعه در سال‌های ۱۲۶۹ تا ۱۲۷۰، ۱۲۷۶، ۱۲۷۸ تا ۱۲۸۰، ۱۲۸۳ تا ۱۲۸۶، ۱۲۸۹ تا ۱۲۹۰، ۱۲۹۴ و ۱۳۱۲ هجری قمری فاقد خبر است.

کم‌ترین اخبار (یک خبر) مربوط به سال‌های ۱۲۷۴، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۷ و ۱۳۱۷ هجری قمری است و بیش‌ترین آن‌ها (۱۴ گزارش) از سال ۱۳۰۱ هجری قمری نقل شده است.

حدوداً از شعبان ۱۲۹۱ تا اواسط سال ۱۲۹۶ هجری قمری اخبار نهاد در مدخلی با عنوان «قم و ساوه و نهاوند» نقل می‌شد. از اواسط ۱۲۹۶ هجری قمری به بعد اخبار نهاد در زیر مدخل‌هایی از قبیل «ملایر و تویسرکان و نهاوند»، «نهاوند»، «ولایات ثلاث» و حتی ذیل «کرمانشاهان و مضافات» و «وقایع کردستان» آمده است. آنچه

می‌خوانید نمونه‌هایی از اخبار و اطلاعات مطبوعات دوره‌ی قاجار است و کامل این مجموعه همان طور که اشاره شد با سی‌دی آن در آرشیو مؤسسه موجود است.

گزیده‌ی اخبار

چهاردهم ذی‌قعدة ۱۲۶۷ قمری (شهریور ۱۲۳۰): «در نهاوند و بروجرد گندم خرواری پنج هزار و جو دو هزار و پانصد است. اگر راه عرابه [ارابه‌ی] بارکش از آن ولایت، چنان‌چه در روزنامه‌ی سابق نیز نوشته شده، به تهران و اصفهان ساخته بشود نفع کلی هم برای اهل آن‌جا و هم برای اهل تهران و اصفهان و هم برای دیوان اعلی خواهد بود.»^{۱۱}

نوزدهم محرم ۱۲۷۱ قمری (مهر ۱۲۳۳): «از قراری که در روزنامه‌ی این ولایت نوشته‌اند جمشید خان خزل در سر سواری، تفنگ به عمومی خود صادق‌خان خالی کرده و او را مقتول نموده، مادر صادق‌خان که همراه بوده است خود را به سر نعش پسر خود انداخته، جمشیدخان مزبور به احتمال این که شاید مقتول نشده باشد پیشتاب دیگر خالی کرده و مادر صادق‌خان زخم‌دار شد. جمشیدخان فرار کرده و به در رفته بود. عالی‌جاه مقرب‌الخاقان محمدرحیم خان نسقچی‌باشی حاکم نهاوند به قدر صد نفر سوار خزل به تفحص مشارالیه فرستاده، بعد از بیست روز او را در میان افشار گرفته، دست بسته آورده بودند. به حکم شرع مطاع و امضای ورثه‌ی مقتول، او را به قصاص رسانده‌اند.

دیگر نوشته‌اند که قلعه‌ی رویین دژ نهاوند، که از عمارات عالیه است، چون از بی‌اعتدالی حکام سابق خرابی به هم رسانده بود، مقرب‌الخاقان مشارالیه در این روزها آن‌جا را داده است تعمیر خوب کرده‌اند و بسیار با صفا شده‌است.»^{۱۲}

دوم ربیع‌الاول ۱۲۷۱ قمری (آذر ۱۲۳۳): «از قراری که در روزنامه‌ی نهاوند نوشته بودند حکیم سلیمان یهودی که هشتاد سال متجاوز از عمرش گذشته بود، سه شب متوالی

جناب ختمی مآب را در عالم رؤیا دیده بود که او را تکلیف به اسلام فرمودند. شب سیم کلمه‌ی طیبه را جاری نموده، صبح پیش جناب آقا سید عبدالله مجتهد رفته به شرف اسلام مشرف شده و عیال و اطفالش را از خود دور نموده، عالی‌جاه غلامعلی‌خان نایب‌النسقی‌باشی و نایب‌الحکومه‌ی نهایند و عالی‌جاه میرزا حسن نوری پیشکار نهایند، اخراجات از برای او قرار داده‌اند و خانه‌[ای] خارج از محله‌ی یهودی‌ها برای او گرفته، کمال نوازش را به او نموده‌اند و این اوقات، مشارالیه همه روزه به نزد علمای دین مبین حاضر شده، مشغول آموختن قواعد شرع مطاع و اطلاع از مذهب شریفه است.^{۱۳}

هشتم شوال ۱۲۷۲ قمری (۲۲ خرداد ۱۲۳۵): «از قراری که در روزنامه‌ی نهایند نوشته بودند عالی‌جاه مقرب الخاقان محمدرحیم‌خان، نسقی‌باشی و حاکم نهایند، در اوایل ماه مبارک رمضان وارد آن‌جا گردید و رسیدگی کامل به امور رعایا و وصول بقایا و نظم خالصجات نموده و امور آن ولایت را به هر جهت انتظام داده و سواره خزل را، که احضار رکاب نصرت انتساب شده بودند، در اواسط ماه مبارک سان آن‌ها را به وقت دیده، آن‌چه بی‌اسب و یراق و اوضاع بودند اهتمام در تدارک اسب و یراق و سایر ملزومات آن‌ها نموده، که بعد از انجام تهیه‌ی آن‌ها، روانه‌ی دربار معدلت مدارشان نماید. دیگر نوشته‌اند که در ایام بهار به قسمی بارندگی در آن ولایت شد، که پیران معمر این‌گونه بارندگی تاکنون در آن ولایت مشاهده نکرده بودند، و حاصل آن ولایت به سبب وفور بارندگی، بحمدالله، بسیار خوب آمده و زارعین و صاحبان املاک از این معنی کمال مسرت و شکرگزاری داشته‌اند.

دیگر نوشته‌اند که در شب دوازدهم ماه مبارک رمضان، نیم‌ساعت به صبح مانده، زلزله‌ی عظیمی در آنجا وقوع یافته و زمین حرکت بسیار شدیدی کرد. مردم تشویش خرابی ابنیه و اتلاف نفوس زیاد داشتند ولی بحمدالله خرابی به جایی و صدمه به کسی وارد نیامد.^{۱۴}

سیزدهم رجب ۱۲۷۵ قمری (بهمن ۱۲۳۷): «نهایند، از قراری که در روزنامه‌ی آنجا [نهایند] نوشته‌اند، در آنجا جنس قدری تسعیر به هم رسانده بود و هرکس غله در انبار داشت نمی فروخت. اهل ولایت تفصیل را به نسقچی باشی حاکم آنجا نوشتند. مشارالیه از دیوان اعلان حاصل نموده، نوشت که غله‌ی دیوانی را در شهر و بلوک به مصرف رسانند. بعد از این اخبار و فروختن غله‌ی دیوانی جنس زیاده تنزل کرده و صاحبان انبار هم جنس خود را بنای فروش گذاشته‌اند.»^{۱۵}

هجدهم ذی‌قعدة ۱۲۷۹ قمری (اردیبهشت ۱۲۴۲): «از غرایب عجایب در روزنامه‌ی نهایند نوشته‌اند که گرگ بسیار بزرگی از کوه فرود آمده و داخل مزرعه شد. در حوالی مزرعه قریب دو‌یست سگ و چند رأس گاو و گوسفند زخمی کرده و کشته است و به هر کس دچار گشته زخمی زده و جراحی کاری وارد آورده است. بعد از آن که بیست نفر از مرد و زن را مجروح ساخته بود آن را کشته بودند.

از قرار صفاتی که از آن گرگ ظاهر بوده، معلوم گردیده بود که هار و دیوانه بوده است. مجروحین در کمال بدحالی و پرستاران‌شان در نهایت پریشان خیالی بوده‌اند و مراتب را به توسط میرزا بدیع الملک میرزا به شاهزاده عمادالدوله اظهار نموده‌اند. پیرزنی که در مداوای این گونه جراحات ید طولاً داشته داوطلب شده که آن‌ها را

معالجه نماید. اضطرابی که اهل آن مزرعه داشته‌اند این بوده که مبادا حالت آن گمرک به دواب و مجروحین سرایت نماید و موجب مرارت اهل ولایت گردد.»^{۱۴}

نهم جمادی‌الاولی ۱۲۸۸ قمری (مرداد ۱۲۵۰): «امور آن‌جا در کمال نظم و نهایت آسایش رعایا و برایا [ج بریه: مخلوقات] است. مباشرین حقوق دیوانی در کمال مداقه و اهتمام در خدمات مرجوعه قیام دارند. مگر محمدطاهرخان نهایندی، مستاجر وجوه و گمرک، که مبلغی خطیر از اجاره‌ی وجوه و گمرک و معادل صدو شصت خروار از مزارع خالصه تلف نموده، فرار به دارالخلافه کرده. بر حسب امر اولیای دولت باهره او را به کرمانشاهان آوردند.

[وی] بعضی دعاوی، بر میرزا محمدرضا مباشر نهایند، اظهار نمود که هیچ‌یک آن‌ها صحیح و درست نبود. چنان‌چه از سبک و سیاق سؤال و جواب، خطا از صواب پیدا است. لهذا عمادالدوله او را با آدمی از خود به نهایند فرستاد و به امام جمعه‌ی نهایند میرزا محسن نوشته شد که در خانه‌ی خود مجلسی انعقاد داده، در حضور اعیان ولایت در نهایت دقت بر وفق شرع مطاع، میانه‌ی مدّعی و مدّعی علیه، میرزا محمدرضا نهایندی محاکمه نمایند. آنچه ثابت کند، از میرزا محمدرضا مباشر مطالبه و آنچه تهمت است، بهانه نشوند [و] از محمد طاهرخان دریافت نموده، نگذارند حقوق دیوانی از میان برود.»^{۱۷}

هفدهم محرم ۱۲۹۲ قمری (اسفند ۱۲۵۳): «از... دربار سپهر آثار همایونی حکم شد که [در سنه‌ی آتی] خطوط تلگرافی را زیاد بکنند و به این تفصیل تلگراف‌های جدید مقرر خواهد شد: از اصفهان به یزد، از ملایر به نهایند، از همدان به شهر سنندج

کردستان، از استرآباد به ساری و بارفروش*، از خوی به ارومی، از میانه به اردبیل. چون سیم و نقره و اسباب مکالمه از فرنگستان باید اتباع شود؛ اتمام همه‌ی این خطوط تا شانزده ماه دیگر طول خواهد داشت، ولی از امروز مشغول خواهند بود.»^{۱۸}

دوم جمادی‌الاولی ۱۲۹۵ قمری (اردیبهشت ۱۲۵۷): «در این ولایات بارندگی‌های بسیار خوب شده است. در یکی از بارندگی‌ها که در نهاوند شده در صحرا درخت بسیار عظیمی را برق زده، طوری آن درخت قطعه قطعه شده که قطعه‌ی بزرگ آن زیاده از یک چارک وزن نداشته ...»^{۱۹}

بیستم جمادی‌الاولی ۱۲۹۵ قمری (خرداد ۱۲۵۷): «... از قرار مذکور شخصی در یکی از قرای توابع نهاوند سکنه کرده، کسان او به گمان که مرده است او را بعد از تغسیل در مسجد دهکده می‌گذارند. به جهت شدت بارندگی قدری از سقف مسجد خراب [می‌شود] و روی شخص سکنه کرده می‌ریزد؛ فوراً از ریختن آوار و مصادمت، آن شخص سکنه کرده به حال می‌آید و مضطربانه حرکت کرده و فریاد می‌زند. مردم او را نجات داده جان به سلامت به در می‌برد.»^{۲۰}

هفدهم رجب ۱۲۹۵ قمری (تیر ۱۲۵۷): «حکومت نهاوند این ایام چند نفر دزد را دستگیر نموده بعضی را تنبیه و رها کرده، بعضی دیگر در حبس‌اند. چند شب قبل در نهاوند در محله‌ی چهارباغ یک باب خانه آتش گرفته است.»^{۲۱}

دوازدهم ربیع الثانی ۱۲۹۶ قمری (فروردین ۱۲۵۸): «بر حسب استدعای نواب اشرف والا امیر کبیر نایب السلطنه‌ی دولت علیه، ادام الله اقباله العالی، حکومت ملایر و توپسرکان و نهایند را مستقلاً به عهده‌ی کفایت نواب والا عزالدوله عبدالصمد میرزا و حکومت مازندران را مستقلاً به امیرزاده نورالدهر میرزا مرحمت و واگذار فرمودند و فرمان جهان مطاع شرف صدور یافت.»^{۲۲}

آخر جمادی الثانی ۱۲۹۶ قمری (خرداد ۱۲۵۸): «روز چهاردهم ماه، دختر چهارده ساله [ای] ناخوش بوده، حالتش طوری شده که کسان دختر گمان می‌کنند مرده است. حکیم حاضر کرده، حکم به فصد می‌کند. بعد از زدن بیشتر خون بیرون نمی‌آید. به کلی مایوس می‌شوند. مادر، دختر را به همان حالت به امامزاده اسماعیل برده میان امامزاده می‌گذارد و خود در عقب در نشسته، گریه و زاری می‌کند. شش ساعت از شب گذشته صدای گریه و آه و ناله‌ی دختر به گوش مادر می‌رسد و معلوم می‌شود که دختر زنده شده و حیات نو یافته است.»^{۲۳}

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نوزدهم محرم ۱۲۹۸ قمری (دی ۱۲۵۹): «اعلان: کتابچه‌ی کوچکی که جلد آن تیماج قرمز است و اوراق کتابچه چند جزو مختلف [است] که دم جزوها بریده و صحافی نشده است و مطلب و شرحی که در جزوها مسطور است اسامی تفصیل دهات خزل نهایند و دهات جرفادقان [گلپایگان] و دهات و بلوک فارس و غیره است.

این کتابچه را یکی از گماشتگان صنایع الدوله از صحاف گرفته، از راسته بازار مروی می‌رود به بازار پامناز و از آن جا به دم دروازه قدیم شمیران و خیابان نظامیه، در عرض راه کتابچه از زیر بغل او افتاده [و] گم می‌شود. این کتابچه به کار احدی نمی‌آید و

قیمتی هم ندارد. چون برای دارالطباعه‌ی مبارکه در کار است هر کس پیدا کرده باشد و به دارالطباعه بیاورد پنج قران به او مزد گانی داده می‌شود، در صورتی که خود کتابچه یک قران ارزش ندارد.»^{۲۴}

ششم محرم ۱۲۹۹ قمری (آذر ۱۲۶۰): «در عشر وسط ماه ذیحجه الحرام، یک روز در نهاوند زلزله‌ی شدیدی شده، اما از تفضلات الهی صدمه و خرابی به جایی وارد نیاورده است. امور حکومتی این ولایت منظم است. محمد ابراهیم خان سرتیپ، حکمران نهاوند، در کلیه‌ی امور ساعی و مُجد می‌باشد. اهالی آسوده و مرفه به دعاگویی و مشاغل مخصوصه خود اشتغال دارند.»^{۲۵}

بیست و چهارم ربیع الاول ۱۳۰۱ قمری (بهمن ۱۲۶۲): «از حسن اهتمامات نواب عضدالدوله، حکمران ملایر و تویسرکان و نهاوند، نظم و امنیت حاصل و عموم رعایا مرفه و آسوده‌اند. نواب معزی‌الیه، بعد از انجام مهمات نهاوند و پرداختن تمام وجوه نظامی و فیصل کارهای آن‌جا، این دو روز مراجعت به ملایر نمودند. بارندگی زیاد در این سه ولایت شده است. در صحراها همه جا به قدر نیم زرع برف است سه نفر، [که] از ملایر به بروجرد می‌رفتند، نزدیک قریه‌ی کوشکی، بوران و کولاک آن‌ها را گرفته تا وصول به آبادی دو نفر مرده و یک نفر دیگر مشرف به موت است.»^{۲۶}

نهم ربیع الثانی ۱۳۰۵ قمری (دی ۱۲۶۶): «امور ولایات ثلاثه از اهتمامات و مساعی میرزا ابوالقاسم خان مستوفی حکمران منظم است. میرزا محمدرضا مستوفی، که مأمور

تعدیل خالصه‌ی ملایر و نهاوند می‌باشد، چند روز است وارد ملایر شده به اطلاع حکومت، کدخدایان دهات خالصه را حاضر می‌کنند و مشغول گفت‌وگو هستند. سمت جنوبی قلعه‌ی روئین دژ نهاوند که در ماه محرم گذشته شبانه خراب شده بود، میرزا مهدی خان نایب الحکومه نهاوند به مرمت آن پرداخته و فرستاده از ملایر و اطراف، بنا و عملی زیاد حاضر کرده و تعمیر کلی نموده است. این روزها میرزا ابوالقاسم خان از ملایر به سرکشی تعمیرات ابنیه‌ی نهاوند می‌رود.^{۲۷}

بیست و نهم ذی‌الحجه ۱۳۰۸ قمری (مرداد ۱۲۷۰): «امور ولایات ثلاث از هر جهت منظم است. در این اوقات محمدتقی‌خان، حکمران ولایات ثلاث، به جهت سرکشی و تنظیم امور حکومتی و وصول و ایصال مالیات دیوانی به نهاوند و تویسرکان رفته و ... قلعه‌ی روئین دژ نهاوند، که سال‌ها بود رو به انهدام گذاشته و خرابی کلی هم رسانیده بود، در این اوقات بر حسب امر اولیای دولت قاهره، حکومت ولایات ثلاث در کمال مراقبت و اهتمام به مرمت و تعمیر آن پرداخته است.»^{۲۸}

پانزدهم جمادی الاولی ۱۳۰۹ قمری: «محاسن مراقبات و اهتمامات محمدتقی‌خان، حکمران ولایات ثلاث، خود و این حکومت را از هر جهت منظم [نموده] و کافه‌ی اهالی را قرین آسایش و شکرگزاری داشته است.

از قرار روزنامه‌ی وقایع نهاوند، یکی دو فقره سرقت در شهر واقع شده بود [که] به اهتمام حکومت، سارق و مسروقات مکشوف و به صاحبانش مسترد گردید.

پسر حکیم ایلپایی یهودی به جهت عداوتی که با مهدی نام یهودی در سر دختری، که به مهدی مزبور شوهر کرده بود، داشته است، غفلتاً کاردی به پهلوی او زده، [اورا] مجروح نموده و ضارب الآن در حبس حکومت است تا پس از تحقیقات او را مجازات دهند. به واسطه‌ی نزول باران‌های رحمت، انواع اطعمه وافر و ارزان است.^{۲۹}

بیست و نهم رجب ۱۳۰۹ قمری (اسفند ۱۲۷۰): «شاهزاده آجودان حضور حکمران نهاوند، روز هفتم رجب، وارد نهاوند شده و پیوسته با کمال اهتمام به مهمات حکومتی اشتغال دارند. مردم از بدی نان و گوشت شکایت داشتند. معزی‌الیه به ترتیبات صحیح، این دو قوت عمده را خوب و فراوان، و غدغن نمودند نان را یک من دو عباسی و گوشت را یک من دوهزار بفروشد. عموم اهالی شاکر و آسوده شدند. سه ماه قبل در نزدیک یکی از دهات خزل اموالی از اسد نام نهاوندی به سرقت رفته بود. پس از ورود امیرزاده، معزی‌الیه، صاحب مال عارض شده [است]. چند نفر مأمور از طرف حکومت برای کشف مسروقات رفته، اموال را عیناً به تمام پیدا کرده، نزد حکومت حاضر و به صاحبش مسترد نمودند.»^{۳۰}

یازدهم ذی‌الحجّة ۱۳۰۹ قمری (تیر ۱۲۷۱): «موکب مسعود همایونی به سراب گاماساب که از سراب‌های مشهور و معتبر نهاوند است تشریف فرما گردیده، الی

هفدهم شهر مزبور، در آنجا توقف فرمودند. عمادالسلطنه ولد نواب شاهزاده عزالدوله، که از طرف ایشان نیابت حکومت ولایات ثلاث نهاوند و ملایر و توپسرکان را دارد، با اعیان و عمال و معتبرین و وجوه شهر نهاوند، در سرحد بروچرد و نهاوند، مقدم مسعود همایونی را پذیرفتند.

روز دوم ورود به سراب گاماسب، علمای شهر نهاوند شرفیاب حضور مبارک شده، طرف تفقدات و مراحم ملوکانه گردیده، با نهایت دلگرمی وجود مبارک را دعا گفته مراجعت به شهر نمودند. در یکی از ایام توقف در سراب گاماسب، بندگان اعلیٰ حضرت اقدس همایون شهریاری به شهر نهاوند تشریف فرما شده، اهالی شهر از وضع و شریف و کبیر و صغیر متجاوز از سی هزار نفر در معابر همایونی ایستاده، به دعاگویی وجود مبارک رطب اللسان بودند. در باب تعمیرات لازمه‌ی قلعه‌ی نهاوند که دارالحکومه در آنجاست، به شاهزاده عمادالسلطنه و میرزا علی خان مستوفی وزیر ولایات ثلاث و سایر اجزای حکومت فرمایشات ملوکانه فرمودند...»^{۳۱}

نهم جمادی‌الثانی ۱۳۱۱ قمری (آذر ۱۲۷۲): «از قرار روزنامه‌ی وقایع ولایات ثلاث، والی امیرتومان حکمران ولایات ثلاث متجاوز از دو ماه است برای انتظام حدود خزل، که متصل به خاک لرستان است و طوایف لرستانی همه ساله در این اوقات پائیز از ییلاقات به سمت گرمسیر حرکت می‌کنند، اردویی از سوار و سرباز در میانه‌ی خاک سلگی و خزل زده مراقب انتظامات آن حدود می‌باشند.

نامدارخان خزل که به نسبت عصیان و تقصیر، هارب و خائف از حکومت بود، پس از شفاعت جنابان آقا تراب و آقا میرزا فضل الله که از علمای محترم نهاوند هستند [به] نوید عفو حکومت مطمئن شده، به اردوی والی آمده [و] ملتجی و ملتزم خدمت شد، بدون این که گرفتار عقوبت و نکالی گردد.

طوایف لرستانی، با کمال انتظام و آرامی و درستی، همه عبور نموده به طرف قشلاقات رفتند و معدودی از آنها که در شهر نهاوند و اطراف آن جا دست برد و سرقتی نموده بودند، مأخوذ و محبوس و مورد سیاست حکومت گردیدند.^{۳۲}

پنجم جمادی الثانی ۱۳۱۳ قمری (آذر ۱۲۷۴): «نبی نام، قاتل حسین، وکیل بیدق فوج نهاوند، را در نهاوند دستگیر و به کرمانشاهان آورده به قصاص شرعی رسانیدند.

تفصیلش این است که نبی قاتل در قریه‌ی چولک، یک فرسنگی نهاوند، دختری را می‌خواسته بود به زنی بگیرد. حسین نام مزبور او را به عقد ازدواج خود در آورده بود. نبی از بغض و کینه کمر قتل حسین را بسته، نیمه شبی به خانه‌ی او رفته، سرش را با کارد بریده، بدین نیز اکتفا نکرده بعد از قتل تنش را به ضرب تیشه و تبر قطعه قطعه کرده بود.

امیر زاده پاشاخان میرپنجه، حکمران نهاوند، از ماجرا مطلع شده، قاتل را با خود و با ورثه‌ی مقتول به کرمانشاهان فرستاده [و] بر حسب حکم شرع مطاع و اصرار ورثه‌ی مقتول، ایالت جلیله او را به قصاص رسانید.^{۳۳}

بیست‌ونهم محرم ۱۳۱۴ قمری (تیر ۱۲۷۵): «از قرار روزنامه‌ی وقایع این ولایت، امیرزاده پاشاخان میرپنجه، حاکم نهادند، در موقع وصول تلگرام واقعه‌ی هایلله‌ی شاهنشاه شهید سعید - نورالله مضجعه - نخست اقدامات فوق‌العاده در نظم حوزه‌ی ولایت و تأمین طرق و شوارع و تسکین خواطر عامه‌ی مردم نموده. ۳۴

سپس به مراسم تعزیت و سوگواری قیام کرده و هنگام وصول خبر مسرت اثر جلوس بندگان اعلیٰ حضرت اقدس همایون، مجلس تهنیت و سور منعقد داشته و هم نیل بشارت ورود موكب مسعود اعلیٰ به دارالخلافة و جلوس بندگان اقدس همایون به سریر سلطنت موروث، اسباب جشن و تهنیت کامل فراهم داشته، سه شب متوالی، شهر را چراغان و در سرای حکومت آتش بازی کامل نموده و امیرزاده حکمران در این سه شبانه‌روز مجلس ضیافت عام منعقد داشته و مبالغ خطیری به شکرانه‌ی این موقع میمون و سلامت وجود اقدس همایون به طبقات علما و ارباب عمایم و سادات و اهل استحقاق بذل و انعام نموده، که قاطبه‌ی اهالی در این موقع قرین کمال شادمانی و دعاگویی و شکرگزاری بوده‌اند. ۳۵

هفدهم ربیع الاول ۱۳۱۴ قمری (شهریور ۱۲۷۵): «ولایات ثلاث: از قرار اخبار کتبی که از حوزه‌ی این ایالت رسیده‌است، عبدالحسین خان امیرتومان، از زمان ورود به مرکز این حکومت، با کمال مراقبت و اهتمام به امور مہام حکومت اشتغال جسته، نیابت حکومت تويسرکان را به امیرزاده بهبود میرزا از امیرزادگان تويسرکاني، و حکمرانی

نہاوند را کماکان به امیرزاده پاشاخان میرپنجه واگذار نموده‌اند و کلیه‌ی امورات منظم است.

در نہاوند، شبی حجره‌ی تاجر یہودی را سوراخ کرده معادل بیست و دو من تریاک و چہار مثقال طلا و چہل مثقال نقرہ به سرقت بردہ بودند. به حسن تدابیر و اہتمامات امیرزادہ پاشاخان حکمران، بعد از چند روز سارقین کہ علی اصغر نام و اسماعیل نام بودند مکشوف و گرفتار و مسروقات عیناً بہ صاحبش مسترد گردید و دزدان فعلاً در حبس حکومت‌اند.»^{۳۶}

دہم ذی القعدہ ۱۳۱۴ قمری (فروردین ۱۲۷۶): «از محاسن مراقبات و دقایق اہتمامات نواب شاہزادہ‌ی سیف الدولہ امیرتومان، والی ولایات ثلاث، کلیہ‌ی امور و اعمال و حدود و محال این حوزہ‌ی حکومت، چنان کہ باید و شاید منظم است.

در ماہ رمضان و شوال، بارندگی زیاد شدہ بہ طوری کہ تا بہ حال کسی چنین بارندگی خاطر نداشتہ [است]. سردرختی و محصولات ہم کلیتاً خوب و بی آفت است. شخصی مکاری در نہاوند بہ خواہر خود بدگمان شدہ، بدون مقدمہ وارد خانہ گردیدہ، در حالی کہ خواہرش سر تنور مشغول نان پختن بودہ است بی محابا کاردی از کمر کشیدہ مشارالہا را بہ قتل می‌رساند.

ماجرا به حکومت رسید. میرزا احمدخان مستوفی، نایب‌الحکومه‌ی نهایند، قاتل را به حسن تدبیر دستگیر و محبوس داشته، اکنون مشغول تحقیقات هستند، تا او را به سزای اعمال خویش برسانند.»^{۳۷}

بیست‌وششم ربیع‌الاول ۱۳۱۸ قمری (مرداد ۱۲۷۹): «حکیم امجد و عارف مجرد، حیدر قلی‌خان قاجار قوانلو، متخلص به پریشان، ابن مرحوم نصرالله خان از بزرگان ایل جلیل قاجار، جمال حال را آرایشی بود عذیم‌المثال، مفهوم و مصداق دانش و کمال، مسقط‌الرأسش قصبه‌ی نهایند و پدر نامورش نصرالله خان مدتی حکومت بلده‌ی مزبوره و ایل بختیاری چهار لنگ را داشته، در سلطنت شهریار مبرور ماضی محمدشاه غازی - انارالله برهانه - که، مرحوم بهمن میرزا در تبریز حکمرانی می‌نمود، معزی‌الیه در آن شهر امیر دیوان خانه بود.

حیدر قلی‌خان در سن هفت‌سالگی به همراهی پدر خود به تبریز رفته، چندی در آن سامان بماند و بعد از مراجعت به وطن تقریباً سی سال در نهایند و بروجرد به تحصیل علوم معموله‌ی ایران، از صرف و نحو و منطق و معانی بیان و لغت عربی و ریاضی و حکمت طبیعی و الهی و غیرها، پرداخته و پس از آن که کاری ساخته به دارالخلافه تهران آمد و زیاده از سی سال هم در این پای‌تخت به کسب معارف و حکم و فنون متنوعه به سر برد.

نان خشک و خالی و آب گرم خورد. به متلذذات اقبال نمود و به مشتتهای التفات
 نفرمود؛ یعنی چیزی که از چربی و شیرینی چشید طعم و مزه‌ی علم و دانش بود.
 دیری در محضر و مدرّس فیلسوف معروف مرحوم آقا محمدرضا قمشه [ای]
 اصفهانی از حکمای الهی و ریاضی - قدّس سره - آموختنی‌ها بیاموخت و اندوختنی‌ها
 بیندوخت، تا آن که مخزن اسرار شد و مشرق انوار، کنز حقایق و کان دقایق، نقد مشاء و
 عین اشراق، عالم معالم سیر و سلوکِ انفس و آفاق.

نزدیک به چهل سال قبل که من بنده در مصاحبت نواب مستطاب اشرف امجد والا
 عمادالدوله بدیع الملک میرزا - دام الله اقباله العالی - در نهاوند بودم و شاهزاده معظم در
 آن نواحی به حکمرانی می‌گذرانید، با حیدر قلی خان ملاقات نمودم. [وی] آن وقت
 لباس ظاهر و زئی بزرگان و بضاعتی داشت؛ ندانم چه شد که همه را بسر کنار گذاشت.
 همانا به راه توحید افتاد که بنا را بر تجرید نهاد. اسقاط اضافات و ترک علایق را گزید و
 پسندید و در پی چیزی، چیزی دید که فلک هم به خواب ندید و اگر رسیده ملک بدان
 رسیده، پس از آن به کرات آن برهان عقلی کرامات را دیدم، و ندیدم که جز به چند
 جلد کتاب پاره بستگی داشته باشد و دلی به هواهای نفس اماره دهد.

همه او را می‌خواستند نمی‌رفت. همه چیز به او می‌دادند و نمی‌گرفت. مختصر
 عمری در گوشه‌ی عزلت و کنج مدرسه‌ی مرحوم میرزا محمدخان سپهسالار گذرانید و
 مراحل زندگانی را به حدود هفتاد رسانید، تا در روز پنج‌شنبه بیست و چهار ماه محرم

هذا السنه هزار و سیصد و هیجده هجری در گذشت و در جوار قبر آقا، حوالی دروازه‌ی حضرت عبدالعظیم مدفون گشت؛ رحمه الله علیه.

از آثار قلمی او حاشیه‌ای است که به فارسی بر شرح چنمینی در هیئت نوشته و به حلیه‌ی طبع مَحَلًا گشته و شرح و حاشیه [ای] نیز به خواهش مرحوم علی‌قلی خان مخبرالدوله - طیب الله تربته - بر مفاتیح الغیب مرحوم آخوند ملاصدرا نگاشته و به مفتاح المفاتیح موسوم نموده [است].

این اواخر تألیفی به اسم پریشان نامه مشتمل بر هر نوع مطلب از طبیعی و ریاضی قدیم و جدید و نظم و نثرهای متفرقه، گاهگاه خاطر او را مشغول داشت. ظاهراً آن گنجینه را ناتمام گذاشت.

وقتی نیز به گفتن غزلی و شعری حال می‌کرد و از گنج‌های زیر عرش ارمغانی برای خاکیان می‌آورد. آیا آن فرایند ثمینه منتشر شود یا از میان برود، در هر حال، حقیقتِ خود حیدرقلی خان بماند و دست تطاول حوادث، در وجود و بود او دخل و تصرفی نتواند.^{۳۸}

چهاردهم صفر ۱۳۱۹ قمری (خرداد ۱۲۸۰): «جناب مستطاب مولوی که از جمله علمای جلیل‌القدر نهایند و دعاگویان خاص سلطنت ابدیونند همواره به اقتضای مراتب علم و زهد و تقوی طرف مرحمت و تکریم خاص شخص اقدس همایون شاهنشاهی هستند، در این اوقات که از نهایند برای شرفیابی حضور همایون و انجام بعضی مرام خودشان به

دارالخلافة آمده‌اند، مورد مرحمت و تکریم مخصوص خسروانی آمده، به توسط جناب مستطاب اشرف امجد اکرم اتابک اعظم یک قبضه عصای مرصع از جواهرخانه‌ی خاصه به جناب ایشان اعطا و مرحمت فرمودند.^{۳۹}

بیست و نهم رجب ۱۳۲۰ قمری (۹ آبان ۱۲۸۱): «امیرزاده مؤید خاقان، نایب الحکومه‌ی ملایر و تویسرکان و نهاوند، در غیاب صدق الدوله حکمران، غایت مراقبت و اهتمام را همواره در تمشیت امور و ترتیب مهام حکومت و تهیه‌ی اسباب آسایش قاطبه‌ی اهالی دارد.»^{۴۰}

بیست و دوم ذی القعدة ۱۳۲۰ قمری (بهمن ۱۲۸۱): «از قرار اخبار مختلفه‌ی تلگرافی و کتبی و شهادت و اظهار عموم مسافرین و زوآر عتبات عالیات، که از این خط عبور و مرور می‌کنند، هیچ‌زمان حوزه‌ی این حکومت بدین انتظام نبوده [است] و مراتب درستکاری و بی‌طمعی و حسن اهتمام و لطف مراقبت صدق الدوله حکمران به طوری حوزه‌ی حکومت را امن و منظم و اسباب آسایش قاطبه‌ی اهالی را فراهم نموده که همگی متفق الکلمه ذاکر و شاکر این معنی هستند و مدت زمانی می‌گذرد که مطلقاً اسمی از سرقت و شرارت و بی‌نظمی و تظلم در هیچ نقطه از حوزه‌ی این حکومت مذکور نیست.»^{۴۱}

یادداشت‌ها

- ۱- روزنامه ملتی، ۱۲ محرم ۱۲۸۴ به نقل از: پروین، ناصرالدین، تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان، جلد اول، پیدایش، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷
- ۲- این روزنامه در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ توسط کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران با همکاری مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها تجدید چاپ شده است. شماره‌ی نوشته‌شده در بین پرائتر در بخش یادداشت‌های این نوشته، مربوط به این چاپ است.
- ۳- این روزنامه در سال ۱۳۷۰ توسط کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران تجدید چاپ شده است. شماره‌ی نوشته‌شده در بین پرائتر، در یادداشت‌های بعد، مربوط به این چاپ است.
- ۴- این روزنامه نیز توسط کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در سال ۱۳۷۷ تجدید چاپ شده است و هم‌چون موارد گذشته شماره‌ی نوشته‌شده در بین پرائتر در یادداشت‌های این مقاله، مربوط به این چاپ است.
- ۵- این روزنامه نیز توسط کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های ۱۲۷۴ تا ۱۳۸۱ (در پنج مجلد) تجدید چاپ گردیده است. بدیهی است هم‌چون موارد فوق شماره‌ی نوشته‌شده در بین پرائتر در بخش یادداشت‌ها، مربوط به این چاپ است.
- ۶- قاسمی، سید فرید، چکیده‌ی مطبوعات ایران (ج ۱) عهد ناصری، تهران: مؤسسه‌ی مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۸، ص ۱۶۸
- ۷- همان‌جا، ص ۱۷۲
- ۸- همان‌جا، ص ۱۷۳
- ۹- همان‌جا، ص ۲۱۶
- ۱۰- همان‌جا، صص ۲۱۸-۲۱۹
- ۱۱- روزنامه‌ی وقایع اتفاقیه، ش ۳۲، ۱۴ ذی‌قعدة تنگوزئیل ۱۲۶۷، ص ۵ (یا: پیشین، ص ۱۶۳)
- ۱۲- همان، ش ۱۹۳، نوزدهم محرم ۱۲۷۱، ص ۳ (یا پیشین، ص ۱۲۳۷)
- ۱۳- همان، ش، دوم ربیع‌الاول ۱۲۷۱، ص ۴ (یا پیشین، ص ۱۲۷۶)
- ۱۴- همان، ش ۲۸۰، ۸ شوال ۱۲۷۲، ص ۴ (یا پیشین، ص ۱۸۰۸)
- ۱۵- همان، ش ۴۲۰، ۱۳ رجب ۱۲۷۵، ص ۴ (یا پیشین، ج ۴، ص ۲۸۳۲)
- ۱۶- روزنامه‌ی دولت علیّه‌ی ایران، ش ۵۴۲، ۱۸ ذی‌القعدة ۱۲۷۹، ص ۶ (یا پیشین، ص ۵۶۰)
- ۱۷- همان، ش ۲۷، ۹ جمادی‌الاول ۱۲۸۸، ص (یا پیشین، ص ۱۰۷)
- ۱۸- همان، ش ۲۴۶، ۱۷ محرم ۱۲۹۲، ص ۱ (یا پیشین، ص ۹۸۱)
- ۱۹- ایران، ش ۳۵۲، ۲ جمادی‌الاولی ۱۲۹۵، ص ۳ (یا پیشین، ص ۱۴۱۱)

- ۲۰- همان ، ش ۳۵۴ ، ۲۰ جمادی‌الاولی ۱۲۹۵ ، ص ۲ (یا پیشین ، ص ۱۴۱۸)
- ۲۱- همان ، ش ۳۶۰ ، ۱۷ رجب ۱۲۹۵ ، ص ۳ (یا پیشین ، ص ۱۴۴۳)
- ۲۲- همان ، ش ۳۸۲ ، ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۲۹۶ ، ص ۱ (یا پیشین ، ص ۱۵۲۹)
- ۲۳- همان ، ش ۳۸۹ ، آخرجمادی‌الثانی ۱۲۹۶ ، ص ۳ (یا پیشین ، ص ۱۵۶۰)
- ۲۴- همان ، ش ۴۴۰ ، ۱۹ محرم ۱۲۹۸ ، ص ۴ (یا پیشین ، ص ۱۷۷۰) اعلانی دیگر به‌همین مضمون در ش ۴۴۳ این نشریه، که در هیجدهم صفر ۱۲۹۸ ، ص ۴ (ایران ، ج ۳ ، ص ۱۷۸۲) منتشر شده است. ظاهراً این کتابچه همان است که با مشخصات زیر منتشر گردیده است. جلالوند ، گودرز (ویراستار): «کتابچه‌ی جغرافیای ولایت نهاوند و خزل»، فرهنگان ، س ۱ ، ش ۲ (زمستان ۱۳۷۸) ، صص ۶۲-۱۱۱
- ۲۵- همان ، ش ۴۷۴ ، ۶ محرم ۱۲۹۹ ، ص ۴ (یا پیشین ، ص ۱۸۹۸)
- ۲۶- همان ، ش ۵۳۵ ، ۲۴ ربیع‌الاول ۱۳۰۱ ، ص ۴ (یا پیشین ، ص ۲۱۶۰)
- ۲۷- همان ، ش ۶۴۵ ، ۹ ربیع‌الثانی ۱۳۰۵ ، ص ۴ (یا پیشین ، ص ۲۶۰۰)
- ۲۸- همان ، ش ۷۵۲ ، ۲۹ ذی‌حجه ۱۳۰۸ ، صص ۳-۴ (یا پیشین ، ص ۳۰۲۷-۳۰۲۸)
- ۲۹- همان ، ش ۷۶۱ ، ۱۵ جمادی‌الاولی ۱۳۰۹ ، ص ۴ (یا پیشین ، ص ۳۰۶۴)
- ۳۰- همان ، ش ۷۶۷ ، ۲۹ رجب ۱۳۰۹ ، ص ۴ (یا پیشین ، ص ۳۰۸۸)
- ۳۱- همان ، ش ۷۷۷ ، ۲۱ ذی‌حجه ۱۳۰۹ ، ص ۴ ، ذیل وقایع کرمانشاهان (یا پیشین ، ص ۳۱۲۸)
- ۳۲- همان ، ش ۸۱۴ ، ۹ جمادی‌الثانی ۱۳۱۱ ، ص ۳ (یا پیشین ، ص ۳۲۷۵)
- ۳۳- همان ، ش ۸۶۹ ، ۵ جمادی‌الثانی ۱۳۱۳ ، ص ۴ (یا پیشین ، ص ۳۴۹۶)
- ۳۴- در خصوص «شاه‌مرد» یا «شاه‌میری» و تأثیراتش در نواحی غربی ایران، خصوصاً بروجرد و خرم‌آباد و خوزستان، بنگرید به مقدمه‌ی مصحح اثر زیر: حسنعلی افشار ، سفرنامه‌ی لرستان و خوزستان، تصحیح و پژوهش حمید رضا دالوند، تهران ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲ ، صص ۱۷-۶۷
- ۳۵- همان ، ش ۸۸۸ ، ۲۹ محرم ۱۳۱۴ ، ص ۳ (یا پیشین ، ص ۳۵۷۳)
- ۳۶- همان ، ش ۸۹۲ ، ۱۷ ربیع‌الاول ۱۳۱۴ ، ص ۳ (یا پیشین ، ص ۳۵۸۹)
- ۳۷- همان ، ش ۹۰۹ ، ۱۰ ذی‌قعدة ۱۳۱۴ ، ص ۴ (یا پیشین ، ص ۳۶۶۰)
- ۳۸- تربیت ، ۴ ، ش ۱۹۵ ، ۲۶ ربیع‌الاول ۱۳۱۸ ، ص ۳
- ۳۹- ایران ، ش ۹۹۵ ، ۱۴ صفر ۱۳۱۹ ، ص ۲ (یا پیشین ، ص ۴۰۰۲)
- ۴۰- همان ، ش ۱۰۲۳ ، ۲۹ رجب ۱۳۲۰ ، ص ۲ (یا پیشین ، ص ۴۱۱۴)
- ۴۱- همان ، ش ۱۰۱۷ ، ۲۲ ذی‌قعدة ۱۳۲۰ ، ص ۴ (یا پیشین ، ص ۴۰۹۲)